

حجت الاسلام مظاهری سیف؛ توبه یا اظهار اسقاط تکلیف در قلمرو دانش و اندیشه، راهکار مناسبی برای گریز از اندیشه ورزی و سرکوب منتقدان نیست. شما مسئول افکاری هستید که در جامعه منتشر کرده اید و همه از شما انتظار دارند که خودتان یا مسترهای تان، در زندان یا بیرون از زندان پاسخگو باشید.

مدیر موسسه بهداشت معنوی؛



به گزارش «اسپاداناخبر»، ۲۰ دی ماه ۹۴ نامه ای از طرف موسس فرقه حلقه توسط وکیل وی، برای مدیر موسسه بهداشت معنوی، یکی از موسسات فعال در حوزه نقد علمی جریان های معنوی نوظهور، ارسال شد.

طاهری، موسس فرقه حلقه در این نامه با کمال تعجب و با تغییر موضع ۱۸۰ درجه ای از مواضع قبلی خود؛ با ابراز پشیمانی از مسیر گذشته اعلام کرده که «دیگر انگیزه ای برای دغدغه های عرفانی گذشته ندارم!» و در جواب دعوت به مناظره حجت الاسلام مظاهری سیف، مدیر موسسه بهداشت معنوی گفت که «دیگر تکلیف را از عهده خود ساقط می دانم»!!

حجت الاسلام مظاهری سیف در پاسخ به این نامه با اشاره به تناقضات رفتاری متعدد طاهری، به خلف وعده موسس جریان حلقه در زمستان ۸۹ درخصوص برگزاری جلسات مناظره اشاره کرده و با ابراز تأسف از فرار موسس این فرقه در پاسخگویی، خطاب به وی آورده است: هیچ کس نیست که از افکار شما به طور قانونی و رسمی دفاع کند!

مدیر موسسه بهداشت معنوی خطاب به وکیل موسس جریان حلقه می نویسد: از دیدن نامه شما بسیار خوشحال شدم. خوشحال از اینکه چشم اندازی امیدوار کننده از عرفان حلقه پدیدار شد و از کاخ تسلیم طلبی بیرون آمد و پاسخی هر چند مبهم و مختصر به منتقدان داد. برای کسانی که سالها در زمان آزادی و در دوران زندانی جناب طاهری برای گفتگوی انتقادی در باب عرفان حلقه تلاش می کردند، گشوده شدن همین روزنه امید هم بسیار سرور انگیز است.

مظاهری سیف در ادامه آورده است: ما که بیش از شش سال است غیر از اتهام و اهانت پاسخی نشنیده ایم، از این تغییر رویه واقعاً خشنود و مسروریم و آرزو می کنیم که این امید و شادمانی کامیاب برآید و پایه گذاران و هواداران عرفان حلقه حاضر شوند در یک فضای علمی و با حضور منتقدان به بحث و گفتگو بنشینند. اکنون که زحمت کشیده و نامه جناب طاهری را به ما رسانده اید، لطف را کامل کنید و پاسخ ما را هم به ایشان برسانید.

متن نامه حجت الاسلام مظاهری سیف، مدیر موسسه بهداشت معنوی، خطاب به موسس فرقه حلقه که در اختیار خبرگزاری مهر قرار داده شده است، بدین شرح است؛

جناب آقای محمد علی طاهری

سلام علیکم

نامه متفاوت شما را دیدم و از اینکه پاسخ دادید، سپاسگزارم. اما من حقوقدان نیستم و از جزئیات پرونده شما هم اطلاعی ندارم؛ از اینکه آیا دادگاه شما قانونی برگزار شده یانه؟ اینکه در شرایط نامناسب دوران حبس را سپری کرده اید یانه؟ و اینکه

دیوان عالی حکم شما را نقض کرده یا به علت نقص آن را به شعبه دیگر ارجاع داده است؛ اینها همه مطالبی است که به طور ضد و نقیض از گوشه و کنار می شنویم. یک روز می خوانیم که زیر شکنجه هستید و حال شما وخیم است، روز بعد می گویند شما خودکشی کرده اید، روز دیگر خبر می رسد که شما را کشته اند و شاگردان تان برای تان قبر می خزند، سپس در خبرها می خوانیم که اعتصاب غذا کرده اید، و پس از هفتاد روز اعتصاب را شکسته و در صحت کامل هستید!!!

وقتی نامه دردناک شما را می بینم که در آن نوشته از ارتباط با بیرون محروم هستید، به یادم می آید که با خانواده ملاقات دارید، مرخصی نوروزی می روید، نطق دفاعیات تان در دادگاه منتشر می شود، دیوان عالی حکم قاضی پرونده را به نفع شما ناقص ارزیابی می کند، وکیلان آزادانه می توانند نامه های شما را به منتقدان و هواداران برسانند. در مجموع احساس می کنیم که شما تضادهای فراوانی را درباره خود به وجود آورده اید.

یا این وصف ترجیح می دهم که به مسائل حقوقی و قضائی شما وارد نشوم و به عنوان یک پژوهشگر عرفان، به افکار و آثار تان بپردازم.

در نامه اخیر که علیرغم محروم بودن از قلم و کاغذ، قلم به دست شده و نوشته اید، با شگفتی تمام این جمله را دیدم: «بهرت بود شما ایرادات خود را مطرح می کردید و من توضیح می دادم تا اگر شما بر خطا بودید رفع شبهه و ایراد می شد و اگر من بر خطا بودم فهم خود را اصلاح می کردم»

جناب طاهری!

حتما فراموش نکرده اید، که یک بعد از ظهر زمستانی در سال ۸۹ اطراف دانشگاه تهران و در دفتر یکی از دوستان ملاقاتی با هم داشتیم. جلسه دقیقی بعد از اذان ظهر آغاز شد و تا نزدیک غروب آفتاب طول کشید. در آن دیدار بخشی از نقدهایم را به شما عرض کردم و اگرچه پاسخ روشنی به اشکالات ما ندادید، اما در پایان یکدیگر را در آغوش گرفتیم و قرار شد مباحثاتمان ادامه داشته باشد. همان جلسه ای که اجازه ی فیلم برداری ندادید و چند روز پس از آن در جمع دوستان تان مؤسسه بهداشت معنوی را دادگاه خصوصی و محل تجمع افرادی که به هیچ چیز پایبند نیستند، توصیف کردید. برآستی چطور توانستید به چنین قضاوتی برسید؟ و این رفتار متضاد را داشته باشید؟

بهرت بود از همان موقع حاضر به ادامه گفتگوها، پاسخ گویی به نقدها و مستند سازی مباحث می شدید. اما همین که اکنون چنین آرزوی را دارید بسیار خوب است و هنوز فرصت های بسیاری برای شنیده شدن و شنیدن دارید.

متأسفانه این پذیرش و آمادگی گفتگو از سوی شما، با گریز از آزادی اندیشه و فرار از گفتگو همراه است. آنجا که نوشته اید: «دیگر انگیزه ای برای دغدغه های عرفانی گذشته ندارم. تکلیف منوط به استطاعت است و با توجه به سوءتفاهم های پیش آمده دیگر تکلیف را از خود ساقط می دانم.»

چطور ممکن است یک اندیشمند به خاطر سوءتفاهم از اندیشه اش دست بکشد. آن هم اندیشه های عرفانی که آتشی خاموش نشدنی در دل و خورشیدی کسوف ناپذیر در سپهر اندیشه است.

ما در کشوری زندگی می کنیم که جوانان عارف این سرزمین برای اندیشه و ایمان شان جان خود را فدا کردند. الگوی ما کسی است که به کفار قریش گفت اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپ من بگذارید، از راه خود دست برنمی دارم. او از روح القدس الهام می گرفت، که شما هم مدعی دریافت آگاهی از او هستید. چه طور ممکن است که به خاطر سوءتفاهم، تکلیف خود را ساقط بدانید!!!

فیلمی از شما منتشر شده که در زمان آزادی و عافیت گفته اید اگر من را گرفتند و برخلاف گفته هایم چیزی بیان کردم، باور نکنید، زیرا تحت فشار بوده ام!!!

آیا اساتید عرفان این طور حق مداری و حق گویی را به شاگردان شان آموزش می دهند؟!!

برخی می گویند قصد شما از ماجرای عرفان حلقه کسب شهرت و ثروت بوده و حالا که به نتیجه رسیده اید، بیش از پیش خود را از مباحثات علمی و انتقادی کنار می کشید. در این صورت زحمات ما برای مواجهه ی علمی با افکار شما بیهوده است. شما با پذیرش دعوت به مناظره و گفتگو می توانید این حرفها را رد کنید. ما در کنار شما هستیم، تا جلسات گفتگو و مناظره را هر جا که قانون اجازه می دهد، برگزار کنیم.

مدت هاست تلاش می کنیم، تا اگرچه در محکومیت هستید، برای بحث و مناظره با شما فرصتی فراهم شود، ولی به ما می گویند: «باید خودش بخواند، جرم طاهری و مجازاتش مشخص است و ما نمی توانیم او را به گفتگو و مناظره مجبور کنیم.»

بهرت بود پیش از این برای گفتگو و مناظره از مسئولان زندان فرصت می گرفتید. یا در کنار وکلای گوناگون که برای آزادی جسم تان تدبیر می کنند، وکیلی پیدا می کردید که بتواند از افکار شما دفاع کند و به نقدهای وارد شده پاسخ دهد.

چرا با وجود صدها استاد عرفان حلقه، هیچ کس نیست که از افکار شما به طور قانونی و رسمی دفاع کند؟ خوب است کسی را معرفی کنید که به جای تشکیل جلسات مخفی و برگزاری کلاس های غیر قانونی، در جلسات قانونی و رسمی نقد و گفتگو

حاضر شود و مدافع افکار شما باشد. البته گاهی افرادی می آیند و خود را وکیل مدافع عرفان حلقه معرفی می کنند، اما پس از اینکه نقدها را می شنوند، می گویند ما نظر خودمان را می گوئیم.

ما برای برگزاری هر نوع بحث علمی و نقد و گفتگو در زندان یا بیرون از آن آماده ایم. حتی اگر لازم باشد با مسئولان قوه قضائیه مکاتبه و پیگیری می کنیم، تا این فرصت فراهم شود. اما اگر شما نخواهید و وکیل تان پی گیری نکند، همه ی تلاش های ما بیهوده خواهد بود. همانطور که تا کنون نتیجه ای نداشته است.

آقای طاهری!

توبه یا اظهار اسقاط تکلیف در قلمرو دانش و اندیشه، راهکار مناسبی برای گریز از اندیشه ورزی و سرکوب منتقدان نیست. شما مسئول افکاری هستید که در جامعه منتشر کرده اید و همه از شما انتظار دارند که خودتان یا مسترهای تان، در زندان یا بیرون از زندان پاسخگو باشید.

شما به خاطر اعمال تان در زندان هستید، نه افکار تان و در زندان بودن به خاطر اعمال، عذری برای پاسخگو نبودن در برابر افکار نیست. بنابر اخبار منتشر شده در خبرگزاری ها جرایمی نظیر توهین به مقدسات، مداخله غیر مجاز در امور درمانی و درآمد نامشروع، از جمله رفتارهای خلاف شرع و قانون شما بوده است و نمی توانید به جهت داشتن کتاب و مقالات منتشر شده، انتظار مصونیت قضایی داشته باشید، یا بخواهید که متفاوت با سایر مجرمان با شما برخورد شود.

در طول این چندسال کوشیده ام برای طرفداران و مخالفان شما این موضوع را روشن کنم، که در دادگاه پاسخگوی مسائل عملی تان هستید و در جلسات علمی و بحث و مناظره پاسخگوی مسائل فکری تان.

موسسه بهداشت معنوی یا هر مرکز علمی و فرهنگی دیگری که شما را نقد می کند، دادگاه نیست و اعضای آن دشمن شما نیستند، اگر اندیشه ای مستقیم و درست داشته باشید، همین موسسات منتقد موجب نشر افکار شما خواهند شد.

همه آنچه گفتم برای استقبال از این خواسته ی شما بود که نقدها و ایرادات شما را با خودتان در میان بگذاریم.

منتظر دیدار شما در جلسات نقد و مناظره هستم.

حمیدرضا مظاهری سیف